

جبران خسارت ناشی از اطاله دادرسی

تجربه نظام قضایی آلمان (۱)

■ امین طاهرخانی

حقوقدان و پژوهشگر حقوق تطبیقی

اصول کلی رسیدگی قضایی و مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، دادگاهها موظفند طی مدت زمان معقول و متعارف به دعاوی رسیدگی نمایند.

زمانی معقول و متعارف وجود دارد. با وجود این، حتی اگر مفادی در قوانین و مقررات داخلی کشورها در این خصوص وجود نداشته باشد، با توجه به

در اغلب کشورهای عضو شورای اروپا در قانون اساسی یا سایر قوانین الزاماتی پیرامون رسیدگی به اختلافات در بازه‌ی



برای مثال در لهستان، دادگاه عالی موظف است طی دو ماه از ثبت شکایت، پرونده را برای تعیین بازه زمانی مورد نیاز برای دادرسی ارزیابی و نتیجه را به دادگاه رسیدگی کننده اعلام نماید. این نوع جبران خسارت به هیچ عنوان مانع از اعمال روش‌های دیگر توسط شاکی نیست و او می‌تواند همزمان از این روش و سایر روش‌ها استفاده کند.

در لهستان طی رأیی در دعوی «فیگیل» علیه «دستگاه قضایی لهستان» که توسط دادگاه اروپایی حقوق بشر صادر گردیده، دادگاه اروپایی حقوق بشر اظهار داشته لهستان از سازوکارهای موثر در جبران خسارت برخوردار است و از این جهت به مقررات کنوانسیون اروپایی حقوق بشر به طور مؤثر عمل نموده است.

■ روش مالی و غیرمالی جبران خسارت (اعم از خسارت معنوی و مادی)

در این روش خسارت ناشی از اطاله دادرسی اعم از خسارت مادی یا معنوی یا هر دو، با پرداخت مبلغی جبران می‌گردد که توسط دادگاه ناظر تعیین می‌شود. در روش غیرمالی جبران خسارت ناشی از اطاله دادرسی با راهکارهای غیرمالی از قبیل اعتراف دادگاه به نقض مقررات یا تخفیف حکم - در موارد امکان پذیر - جبران می‌شود؛ ضمن آن که امکان بهره‌مندی توأمان از هر دو روش جبران مالی و معنوی (غیرمالی) وجود دارد و اعمال یکی از سازوکارها مانع سازوکار دیگر نیست.

به منظور جلوگیری از اطاله دادرسی و نیز برای جبران خسارت ناشی از آن، در نظام‌های قضایی کشورهای عضو شورای اروپا روش‌های گوناگونی در نظر گرفته شده که در مجموع می‌توان آن‌ها را ذیل دو روش پیشگیرانه و جبرانی دسته‌بندی کرد که البته در غالب موارد امکان بهره‌مندی همزمان از هر دو روش وجود دارد:

■ روش‌های پیشگیرانه یا تسریع کننده (Acceleratory Remedies)

این روش‌ها به منظور تسریع در فرآیند دادرسی و تنها زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرند که هنوز فرآیند رسیدگی خاتمه نیافته است. شکایت از قاضی نزد نهاد ناظر به منظور خاتمه‌بخشیدن به اطاله و صدور رأی توسط مرجع رسیدگی کننده، مجازات انتظامی قاضی و ارجاع پرونده توسط نهاد ناظر به دادگاه دیگر به منظور رسیدگی به دعوا در بازه‌ی زمانی تعیین شده و... راهکارهایی هستند که ذیل روش‌های تسریع کننده تعریف می‌شوند. معمولاً دادگاه قانون اساسی و یا دادگاه عالی پس از بررسی موضوع ظرف مدت زمان مشخص، به تعیین محدودیت زمانی برای رسیدگی به دعوا و خاتمه آن مبادرت می‌کند. دادگاه رسیدگی کننده موظف است طول مدت تعیین شده توسط دادگاه عالی را رعایت نموده و در بازه‌ی زمانی تعیینی مبادرت به رسیدگی و صدور رأی نماید.

■ ساز و کار نظام قضایی آلمان

در نظام قضایی آلمان اطلاع دادرسی پیرامون دعوی کیفری، حقوقی، اجرایی احکام و اداری در موارد گوناگون تجربه شده است. اصل دوم قانون اساسی فدرال به همراه قاعده حاکمیت قانون که در بند سوم اصل ۲۰ آن قانون آمده، حق افراد مبنی بر دادرسی منصفانه در بازه‌ی زمانی معقول و متعارف را مورد شناسایی قرار داده است.

این امر در آرای متعددی از شعب دادگاه قانون اساسی مورد اذعان قرار گرفته و تنها به دعوی حقوقی و کیفری محدود نیست بلکه دعوی اداری را نیز دربرمی‌گیرد. یکی از شعب دادگاه قانون اساسی در رأیی با استناد به اصل ۱۹ قانون اساسی فدرال به این موضوع اشاره و دادگاه اداری را به سبب نقض دادرسی در مدت زمان معقول و متعارف محکوم به جبران خسارت کرده است.

موضوع اطلاع دادرسی در آرای دیگری از دادگاه قانون اساسی آلمان نیز مورد توجه قرار گرفته است، چنان که برای مثال در هفدهم نوامبر ۱۹۹۹ دادگاه عالی فدرال پس از رسیدگی به شکایتی پیرامون اطلاع دادرسی اظهار داشت: بر اساس بخش اول اصل دوم قانون اساسی فدرال آلمان و اصل حکومت قانون، دادگاه رسیدگی‌کننده، حق شاکی مبنی بر دادرسی طی مدت زمان معقول و متعارف را نقض نموده و بنابراین دادگاه صالح مکلف است به منظور ارتقای سرعت رسیدگی به دعوی، معیارها و راهکارهای مناسب اتخاذ کند.

دادگاه اروپایی حقوق بشر نیز دعوی متعددی را علیه نظام قضایی آلمان مبنی بر اطلاع رسیدگی کرده که برای نمونه به حکم این دادگاه در دعوی SÜRMELE علیه نظام قضایی آلمان اشاره خواهیم کرد. در رأی صادره آمده است:

«با عنایت به نقض ماده ۱۳ (۲) و پاراگراف اول ماده ۶ (۳) کنوانسیون اروپایی حقوق بشر توسط دادگاه کشور آلمان، آن دادگاه مکلف است ظرف حداکثر سه ماه از تاریخ صدور حکم نسبت به پرداخت موارد زیر اقدام کند:

۱. ۱۰۰,۰۰۰ یورو در خصوص خسارات غیر مالی؛

۲. ۴,۶۷۲ یورو در خصوص هزینه‌ها و مخارج؛

۳. هر گونه مالیاتی که به مبالغ ذکر شده تعلق می‌گیرد؛

۴. چنانچه دادگاه ظرف مهلت مقرر به پرداخت مبالغ فوق مبادرت ننماید، از هنگام پایان بازه سه ماهه تا زمانی که مبالغ فوق پرداخت گردد، بهره‌ای با نرخ سه واحد بیشتر از نرخ بهره بانک مرکزی اروپا به مبالغ مذکور تعلق می‌گیرد.» (۴)

علاوه بر قانون اساسی فدرال، در قانون اساسی برخی ایالات نیز مفادی به حق دادرسی طی مدت زمان معقول و متعارف اختصاص یافته، چنانکه در اصل ۵۲ قانون اساسی ایالت برندنبرگ مقرر گردیده هر شخص حق دارد از دادرسی منصفانه و سریع نزد دادگاهی مستقل و بی‌طرف برخوردار باشد (۵).

بر اساس بند چهارم اصل ۹۳ قانون اساسی فدرال، دادگاه قانون اساسی به هر گونه شکایت افراد علیه نهادهای دولتی مبنی بر نقض هر یک از حقوق اساسی یا حقوق مندرج در اصول ۲۰ (بند چهارم)، ۳۳، ۳۸، ۱۰۱، ۱۰۳ یا ۱۰۴ رسیدگی می‌کند.

علاوه بر این، طبق آمار دادگاه اروپایی حقوق بشر، آلمان از سال ۱۹۵۹ تا ۲۰۰۹ در بیش از چهل رأی مکرراً به نقض مواد ۶ و ۱۳ کنوانسیون و جبران خسارات ناشی از اطلاع دادرسی محکوم شده بود. دادگاه اروپایی حقوق بشر، آلمان را فاقد سازوکارهای لازم به منظور احقاق حقوق افراد متضرر از اطلاع دادرسی معرفی و نظام قضایی این کشور را مکلف نمود حداکثر ظرف یک سال، تمهیدات و سازوکارهای لازم برای امکان جبران خسارت ناشی از اطلاع دادرسی را با توجه به اصول کنوانسیون و رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر فراهم کند.

همین امر موجب شد تا در بیست و چهارم نوامبر ۲۰۱۱ پارلمان آلمان پس از مشورت با شورای فدرال، قانونی را تحت عنوان «قانون جبران خسارات ناشی از اطلاع دادرسی و اطلاع در تحقیقات کیفری» (۶) تصویب نماید.

طبق «قانون جبران خسارات ناشی از اطلاع دادرسی و اطلاع در تحقیقات

کیفری» مواد متعددی از برخی قوانین از جمله «قانون تشکیلات محاکم» (به‌ویژه بخش‌های ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰ و ۲۰۱) در وهله‌ی اول از جهت پیشگیری از بروز اطلاع دادرسی و در وهله‌ی دوم به منظور جبران خسارات ناشی از اطلاع دادرسی اصلاح و تکمیل گردید.

طبق قانون مذکور، به عنوان یک قاعده کلی، برای هر سال اطلاع دادرسی هزار و دویست یورو خسارت به طرف دعوا پرداخت می‌شود؛ با وجود این، دادگاهی که به اطلاع دادرسی رسیدگی می‌کند می‌تواند با توجه به اوضاع و احوال خاص هر مورد، این مبلغ را افزایش یا کاهش دهد.

نکته‌ی قابل توجه این است که در دعوی اطلاع دادرسی ورود ضرر مفروض است و لذا پرداخت خسارت منوط به اثبات ضرر و زیان از سوی مدعی نیست و چنانچه ورود خسارتی بیش از مبلغ مذکور اثبات شود، دادگاه به جبران خسارت مازاد نیز حکم خواهد داد.

■ بی‌نوشت‌ها:

(۱) برگرفته از پژوهشی با عنوان «بررسی تطبیقی جبران خسارت ناشی از سوءعملکرد دستگاه قضایی در جمهوری فدرال آلمان، شورای اروپا و جمهوری اسلامی ایران»

(۲) ECHR. ART13: Everyone whose rights and freedoms as set forth in this Convention are violated shall have an effective remedy before a national authority notwithstanding that the violation has been committed by persons acting in an official capacity.

(۳) ECHR. Art 6.1: In the determination of his civil rights and obligations or of any criminal charge against him, everyone is entitled to a fair and public hearing within a reasonable time by an independent and impartial tribunal established by law. Judgment shall be pronounced publicly but the press and public may ...

(۴) CASE OF SÜRMELE v. GERMANY, 2006

(۵) Sec10. Article 4) 52): Every person shall be entitled to fair and expeditious proceedings before an independent and impartial court.

(۶) Act on Legal Redress for Excessive Length of Court Proceedings and of Criminal Investigation Proceedings

■ منابع:

- Basic Law for The Federal Republic of Germany. (1949).

- Constitution of the Land of Brandenburg last amended by the Act dated 5 December 2013. (n.d.). Official Gazette I p. 298.

- Council of Europe. (2007). Can Excessive Length of Proceedings Be Remedied? (International Law). Strasbourg, France: Council of Europe Publishing.

- The European Commission for the Efficiency of Justice. (2010). Report on Evaluation of Judicial Systems. Strasbourg, France: Council of Europe Publishing.

- The Federal Parliament of Germany. (2011, November 24). Act on Legal Redress for Excessive Length of Court Proceedings and of Criminal Investigation Proceedings. Germany, Berlin.

- CASE OF SÜRMELE v. GERMANY, Application no. 01/75529 (EUROPEAN COURT OF HUMAN RIGHTS (STRASBOURG) June 2006 ,8).

- CASE OF Figiel v. Poland, 05/38206 (European Court of Human Rights (Fourth Section) Sep 2008 ,16).